

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و هشتم، شماره پیاپی ۹۶
بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۵۱-۲۹

بررسی اعتبار روایات تحف العقول*

دکتر علی اکبر ایزدی فرد

استاد دانشگاه مازندران

Email: ali85akbar@yahoo.com

دکتر محمد محسنی دهکلانی

دانشیار دانشگاه مازندران

Email: mmdehkalany@yahoo.com

دکتر سید مجتبی حسین نژاد

مدرس حوزه علمیه قم، استادیار مؤسسه آموزش عالی پارسا

Email: mojtaba@write.com

چکیده

تحف العقول نام مجموعه‌ای است حدیثی که مولف آن ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی است. وی از محدثان قرن چهارم هجری و بنابر برخی نقل‌ها از مشایخ مفید شمرده می‌شود. از ویژگی‌های کتاب تحف العقول اشتمال آن بر نقل بعضی منقرضات است که در سایر مجامع حدیثی مانند آن یافت نمی‌شود. در اعتبار احادیث این کتاب و وثاقت مولف آن میان عالمان رجال و فقیهان اختلاف نظر وجود دارد. مختار نگارندگان ثقه بودن مولف و اعتبار کتاب بر پایه وثاقت به صدور روایات آن است. این مقاله بر مبنای یافته فوق و مستدل و مبرهن نمودن آن و نیز جرح و نقد اقوال رقیب و مستندات ایشان سامان یافته است.

کلیدواژه‌ها: حرانی، تحف العقول، توثیق متأخران، ارسال و ثوق صدور، اصول متلفات.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۱/۰۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶.

مقدمه

یکی از تألیفات ابن شعبه حرّانی علاوه بر کتاب التمهیص^۱ (حر عاملی، امل الاصل، ۷۴/۲؛ افندی، ریاض العلماء، ۲۴۴/۱)، کتاب «تحف العقول» است. (حر عاملی، امل الاصل، ۷۴/۲؛ سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ۱۵۰/۴) بر حسب ظاهر عبارات سید حسن صدر، نام کامل این کتاب، «تحف العقول فی ما جاء من الحكم و المواعظ عن آل الرسول» است که به اختصار «تحف العقول» نامیده می‌شود. (صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ۴۱۳) تحف العقول کتابی است که سبب شهرت حرّانی شده و در انتساب آن به او هیچ اختلاف نظری وجود ندارد. حرّانی در این کتاب، روایاتی را که از دیدگاه خود صحیح و معتبر بوده (ر.ک: تحف العقول ۴)، جمع آوری نموده و به صورت مرسل آورده است. از آنجا که مستند بسیاری از فروع فقهی، روایاتی است که صرفاً در کتاب تحف العقول آمده است، لذا پذیرش و یا طرد روایات تحف العقول اثر غیر قابل انکاری در فرایند استنباط احکام خواهد داشت و این خود اهمیت موضوع پژوهش حاضر را دو چندان خواهد نمود. مثلاً شیخ انصاری ابتدای مکاسب محرمة خود را با نقل مفصل حدیثی از کتاب تحف العقول مشتمل بر ضوابط حلال و حرام احکام آغاز نموده است (انصاری، کتاب المكاسب، ۵/۱). نمونه دیگر مسئله توبه زانی پس از قیام بینه است که مهم‌ترین دلیل مسقط حد، خبری محکی از کتاب تحف العقول حرّانی است. (منتظری، کتاب الحدود، ۵۷؛ مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، ۱۳۳/۲)

طبقه حرّانی

ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی حلبی، از شخصیت‌های برجسته و از چهره‌های درخشان فقه و حدیث‌شناسان شیعه در قرن چهارم هجری بود. (امین، أعیان الشیعة، ۱۸۵/۵) وی از معاصران شیخ صدوق و بنابر برخی نقل‌ها (حر عاملی، الفصول المهمة فی أصول الأئمة، ۳۷/۱؛ همو، امل الاصل، ۷۴/۲؛ مجلسی دوم، بحار الانوار، ۱/۱؛ سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ۱۵۰/۴) از مشایخ شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق) به شمار می‌آید. البته چنانکه خواهد آمد، شیخ مفید خود به این نکته در آثارش تصریح نکرده است. او از محمد بن همام

۱. البته بعضی همچون علامه مجلسی (مجلسی دوم، بحار الأنوار، ۱۷/۱) و سید خوانساری (روضات الجنّات، ۱۵۱/۶) این کتاب را از تألیفات ابن همام اسکافی (متوفی ۳۳۶ ق) دانسته‌اند.

روایت نقل می‌کند. (سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ۱۵۰/۴؛ همو، مصادر الفقه الاسلامی، منابعه، ۱۵۷) از تاریخ تولد و وفاتش، اثری در دست نیست.

میرزای نوری در مستدرک الوسائل می‌نویسد:

من تا الان نتوانستم پی به طبقه صاحب تحف العقول ببرم. (محدث نوری، خاتمة المستدرک، ۱۸۷/۱)

منتها با قبول ادعای بحرانی (قمی، الکنی و الألقاب، ۳۱۸/۱) مبنی بر نقل حدیث شیخ مفید از وی، می‌توان پذیرفت که وی تقریباً از معاصران شیخ صدوق است. (آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعة، ۴۰۰/۲)

البته ممکن است اشکال شود، نقل روایت توسط شیخ مفید از حرانی نمی‌تواند دلیل بر شاگردی شیخ مفید نزد حرانی شود (امین، اعیان الشیعة، ۱۸۵/۵).

در جواب از مناقشه فوق می‌توان گفت: حتی اگر مناقشه فوق را بپذیریم و نقل شیخ مفید از حرانی، دلیل بر شاگردی وی نزد حرانی نباشد، باز هم باید قبول کرد که حرانی از محدثان قرن چهارم است؛ «زیرا صاحب تحف العقول از محمد بن همام اسکافی (متوفی ۳۳۶ ق) روایات زیادی نقل می‌کند^۱ و محمد بن همام اسکافی نیز همان کسی است که محمد بن جعفر بن قولویه (متوفی ۳۶۷ یا ۳۶۹ ق) از او در کامل الزیارات نقل روایت کرده است (ابن قولویه، کامل الزیارات، ۱۸۲)، در نتیجه بدون تردید حرانی در طبقه ابن قولویه و از نظر زمانی کمی مقدم بر شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ق) است.» (سبحانی، المواهب فی تحریر أحكام المكاسب، ۱۸)

محتوای کتاب تحف العقول

تحف العقول با وجود حجم کم، مشتمل بر مطالب سودمندی از آداب و سنن، نصایح، موعظه‌ها، کلمات قصار، پند و اندرز و سفارشات پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) است.

۱. چنانکه گذشت، یکی از تالیفات ابن شعبه حرانی، التمهیص است. او در این کتاب از محمد بن همام، روایت نقل می‌کند، چنانکه خود در اول کتاب به این مطلب تصریح کرده است. (التمهیص، ۳۰ «حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَا مُحَمَّدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْزُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ وَ كَرَامٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ عَلِيٌّ يَقُولُ إِنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعُ إِلَيَّ شَيْعَتَنَا مِنَ السَّبِيلِ إِلَى قَرَارِ الْوَادِي»، همچنین برای تبیین این مطلب، رک: سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ۱۵۰/۴.

این کتاب در ۱۶ فصل سامان یافته؛ ۱۲ فصل اول آن، سخنانی از رسول خدا و ائمه علیهم السلام، به جز امام زمان (ع) را در بر دارد که در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی، فقهی و ... جمع آوری شده است.

در چهار فصل پایانی آن نیز مطالب ذیل به آن اضافه شده است:

- ۱- مناجات خدای عزوجل با حضرت موسی بن عمران (ع).
 - ۲- مناجات خداوند با حضرت عیسی بن مریم (ع).
 - ۳- مواعظ حضرت عیسی (ع)، در انجیل و غیر انجیل و حکمت‌های آن پیغمبر.
 - ۴- وصیت «مفضل بن عمر» یکی از اصحاب امام صادق (ع) به شیعیان که حاوی کلماتی ارزشمند از امام ششم (ع) است.
- از ویژگی‌های این کتاب، نقل منفرد بعضی از روایات است که از آن جمله می‌توان به نقل خطبه «ایمان و کفر» امام امیرالمؤمنین (ع) - که در نهج البلاغه هم نقل نشده و نقل رساله «جبر و اختیار» امام هادی (ع) اشاره کرد.

وثاقت حرانی و اعتبار کتاب تحف العقول

لازم به ذکر است که در کتاب‌های پیشین از دانشمندان رجالی همچون رجال نجاشی و رجال و فهرست شیخ طوسی و ... نامی از ابن شعبه حرانی و کتاب وی برده نشده است. اولین کسی که به نام این شخصیت تصریح کرده است، محقق بحرانی از فقهای قرن دهم است. وی همانطور که خواهد آمد، در رساله اخلاقی خود، پس از اینکه ابن شعبه را از اساتید شیخ مفید دانست، در ادامه او و کتاب تحف العقول وی را به گونه قابل توجه‌ای ستوده است. گرچه از متاخران به وثاقت حرانی شهادت داده‌اند در عین حال در اعتبار کتاب تحف العقول اختلاف نظرهایی میان ایشان دیده می‌شود. قول اولی گروهی از فقها پس از توثیق حرانی، به روایات کتاب تحف العقول اعتماد نمودند.

شیخ حرّ عاملی در امل الآمال درباره وی چنین می‌نویسد:

«الشیخ أبو محمد الحسن بن علی بن شعبه فاضل محدث جلیل؛ ابو محمد، حسن بن علی بن شعبه، دانشمندی با فضل و حدیث‌شناسی بزرگ است.» (۷۴/۲)

همچنین در کتاب وسائل الشیعه نیز از وی چنین تعبیر می‌کند:

«الشیخ الصدوق الحسن بن علی بن شعبه» (۴۱/۳۰) که این تعبیر بالاتر از توثیق است. شیخ حر کتاب «تحف العقول» وی را نیز از کتاب‌های مشهور شیعه می‌شمارد و روایات آن را حجت می‌داند. (أمل الآمل، ۷۴/۲؛ الفصول المهمة فی أصول الأئمة، ۳۷/۱) سخن مؤلف کتاب «روضات الجنات» نیز درباره او و کتاب تحف العقولش چنین است:

حدیث شناس بزرگ، حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی حلبی، فقیهی اندیشمند و متبحری بزرگ و شخصیتی سرشناس است. او کتابی به رشته تحریر در آورده که اصحاب و علمای شیعه بر آن اعتماد کرده‌اند. (موسوی خوانساری، روضات الجنات، ۲۹۰/۲)

علامه مجلسی نیز در مورد این شخصیت و کتاب تحف العقولش نگاشته است: «نظم و ترتیب آن، دلالت بر بلندی مرتبه مؤلفش می‌کند و اکثر مطالب آن، در مواعظ و اصول ثابت شده‌ای است که در آن‌ها نیازی به ذکر سند نیست» (مجلسی، بحار الأنوار، ۲۹/۱)

در این میان محدث قمی نیز می‌گوید:

«ابو محمد الحسن بن علی بن شعبه کان رحمه الله عالماً فقیهاً محدثاً جلیلاً من مقدمی اصحابنا صاحب کتاب تحف العقول و هو کتاب نفیس کثیر الفائدة» (سفینة البحار، ۴/۴۴۱)

شبهه این تعبیرات را میرزا عبدالله افندی اصفهانی صاحب ریاض العلماء و علامه مامقانی در مورد حرانی و کتاب تحف العقولش به کار برده‌اند. (افندی، ریاض العلماء، ۱/۲۴۴؛ مامقانی، تنقیح المقال، ۱/۲۹۳) تا آنجا که بعضی از فقها این کتاب را بی‌نظیر خوانده‌اند. (شوشتری، مجالس المؤمنین، ۱/۳۸۳) مهم‌تر از همه تعبیر فقیه گرانقدر شیخ حسین بن علی بن صادق بحرانی از اعتبار این کتاب است که فراتر از تمامی سخنان مذکور، در رابطه با اعتبار روایات تحف العقول نگاشته است:

شگفت زده‌ام بر دست یافتن بر حدیثی حیرت‌انگیز و کامل از کتاب تحف العقول نگاشسته یکی از قدمای علمای شیعه، دانشمند برجسته و ممتاز به نام حسن بن علی بن شعبه، کتابی که مورد مراجعه شیخ مفید (ره) بوده به طوری که زمانه به مثل آن دست پیدا نمی‌کند. (محدث قمی، سفینة البحار، ۴/۴۴۱؛ قمی، الکنی و الألقاب، ۳۱۸؛ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۲/۴۰۰؛ صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ۴۱۴)

۱. و یعجبنی ان انقل فی هذا الباب حدیثاً عجیباً وافیاً شافياً عثرت علیه فی کتاب تحف العقول للفاضل النبیل الحسن بن علی بن شعبه من قدماء اصحابنا حتی ان شیخنا المفید ینقل عن هذا الكتاب و هو کتاب لم یسمح الدهر بمثله.

علاوه بر تعابیر بلندی که نسبت به مولف و تالیف وی شده است در لابلای متون فقهی، در برخی مواقع مستند برخی فتاوا، روایت و خبری است که فقیه آن را به رغم نقل منفرد از تحف العقول روایتی صحیح‌السند می‌داند. مثلاً حسینی عاملی مهم‌ترین دلیل بر اصل «جواز انتفاع به واسطه اشیاء مگر اشیایی که به واسطه دلیل از تحت این اصل خارج شوند مثل اشیایی همچون مردار که روایات دال بر عدم جواز انتفاع از آن می‌کنند» را روایتی از تحف العقول می‌داند. (حسینی عاملی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ۴۴/۱۲) همچنین در مسئله عدم جواز نگهداری کتب کافران و نسخه برداری از آن‌ها، به روایات متعددی از تحف العقول استناد نمود. (همو، ۲۰۶)

نیز شیخ مرتضی انصاری نیز، در اول کتاب مکاسب خود، حدیث مبسوط معائش العباد را که اساس بسیاری از احکام معاملات است، از کتاب «تحف العقول» روایت کرده و به آن استناد نمود. (انصاری، کتاب مکاسب، ۵/۱ و ۴۳/۲ و ۶۹ و ۱۰/۴)

تعدادی از حاشیه نویسان مکاسب نیز همچون شهیدی (هدایة الطالب إلى أسرار المكاسب، ۲/۱) به تبعیت از شیخ انصاری پس از بررسی دقیق این مسئله، سند این روایت را صحیح تلقی نمودند.

شایان ذکر است که قبل از شیخ انصاری، شیخ یوسف بحرانی (الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۱۸، ۶۷) و شیخ حسین بن محمد بحرانی (الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، ۲۴/۱۱ و ۶۷ و ۲۷۹ و ۲۸۵ و ۲۸۷؛ سداد العباد و رشاد العباد، ۴۱۹ و ۴۵۷) و شیخ جعفر کاشف الغطاء (شرح طهارة قواعد الأحكام، ۳۲۶) به این روایت در کتابشان استناد نموده و آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

از دیگر بزرگان قائل به اعتبار روایات تحف العقول، حسینی تویسرکانی (رسالة فی الغناء، ۲۳) و از فقهای معاصر نیز آیت الله سبزواری (مهذب الأحكام، ۱۹۸/۱۶) و آیت الله فاضل لنکرانی (تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - المكاسب المحرمة، ۱۳-۱۴) می‌باشند که پس از بررسی مفصل شخصیت رجالی حرانی و اعتبار کتاب وی، با تحلیل‌های دقیق ابن شعبه حرانی را از محدثان جلیل‌القدر شیعه دانسته و کتاب وی را از کتب حدیثی معتبر و کم‌نظیر در تاریخ معرفی نمود.

قول دوم: در برابر این قول، تعداد زیادی از فقها نیز از جمله صاحب ریاض (ریاض المسائل، ۴۲/۳)، شیخ موسی کاشف الغطاء (منیة الراغب فی شرح بلغة الطالب، ۲۸۱)، مولی

احمد نراقی (مستند الشيعة فى أحكام الشريعة، ۱/۳۴۷ و ۴/۲۶۳ و ۴۰۱ و ۱۴/۸۳؛ رسائل و مسائل، ۱/۹۱)، شیخ حسن کاشف الغطاء (أنوار الفقاهة - كتاب المكاسب، ۲۵)، ایروانی (حاشیة المكاسب، ۲)، انجدانی (مصباح السعادة، ۲۹)، همدانی (مصباح الفقيه، ۱۱/۲۷)، حکیم (نهج الفقاهة، ۴۷)، حسینی شاهرودی (كتاب الحج، ۱/۸۴)، امام خمینی (كتاب الطهارة، ۳/۵۷؛ المكاسب المحرمة، ۱/۹ و ۲۲۴)، سید مصطفی خمینی (مستند تحریر الوسيلة، ۱/۲۹۲)، سید محمد باقر صدر (بحوث فى شرح العروة الوثقى، ۴/۳۳۸)، سید خویى (مصباح الفقاهة، ۱/۵؛ التنقيح فى شرح العروة الوثقى، ۳/۳۱۹ و ۴۷۴؛ فقه الشيعة - كتاب الطهارة، ۶/۲۳۶؛ القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد «الهداية فى الأصول»، ۳/۵۶۶) و شاگردش مرحوم تبریزی (إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، ۱/۸) روایات تحف العقول را به دلیل ارسالشان، ضعیف دانستند. به طوری که امام خمینی روایات تحف العقول را «اخفى سنداً» دانسته (المکاسب المحرمة، ۱/۹ و ۲۲۴) و شهید صدر نیز معتقد است که روایات تحف العقول نه‌ایست و بالاترین درجه ارسال را دارا می‌باشند تا جایی که هیچ راه حلی نمی‌توان برای خلاصی از این اشکال پیدا نمود، لذا نمی‌توانند حجت باشند. (ما وراء الفقه، ۹/۵۲)

حتی بنابر برخی از مبانی رجالی، وثاقت وی نیز مورد سوال است؛ زیرا رجالیونى همچون آیت الله خویى معتقدند که ادله حجیت خبر واحد، شامل توثیقات متأخران نمی‌شود؛ از جهت اینکه مهم‌ترین دلیل بر حجیت خبر واحد سیره عقلایی است که قدر متیقن از آن، خبر حسى است، نه حدسى و اجتهادى؛ چون که عقلاً خبر ظنى حدسى را حجت نمی‌دانند، مگر اینکه برهان آن ذکر شده باشد و آن را تمام ببینند. تصریح اعلام متأخر بر وثاقت و حسن، تنها در صورتی می‌تواند موجب توثیق شود که به عصر آن فرد نزدیک باشد؛ مانند توثیقات منتجب الدین و ابن شهر آشوب اما توثیق فقهایى همچون ابن طاووس و علامه و فقهای متأخر از آن از جمله بحرانی و شیخ حر عاملی و علامه مجلسی که تا عصر بزرگان قدما فاصله زیادى دارند، قابل اعتنا نیست؛ زیرا بدون شک این توثیقات بر مبنای حدس و اجتهاد است و اگر اجتهاد فقیه با آنان یکی نباشد، نمی‌تواند به آن عمل کند. (موسوی خویى، معجم رجال الحدیث، ۱/۴۲) بر این اساس با توثیق متأخران، نمی‌توان وثاقت حرانی را احراز نمود.

در تحلیل و بررسی این دو دیدگاه ابتدا باید وثاقت ابن شعبه حرانی را احراز نموده و سپس اعتبار کتاب وی را اثبات کرد.

۱. وثاقت حرانی

چنانکه گذشت، حرانی از ناحیه پیشینیان از علم رجال توثیق نشده است. گرچه بنابر ادعای علامه بحرانی، حرانی از مشایخ شیخ مفید بوده و شیخ مفید از حرانی روایت نقل نموده است، ولی با مراجعه به آثار شیخ مفید، دانسته می‌شود که وی نامی از حرانی و کتاب تحف العقول وی نبرده است.

البته لازم به ذکر است که در مسئله حکم توبه زانی پس از قیام بینه با وجود اینکه مشهور فقها حکم این مسئله را عدم سقوط حد دانستند (حلی، مختلف الشیعة، ۱۶۲/۹؛ عاملی، الروضة البهية، ۵۷/۹؛ همو، مسالک الأفهام، ۳۵۹/۱۴؛ مفاتیح الشرائع، ۶۸/۲؛ کشف اللثام، ۴۳۴/۱۰)، در عین حال شیخ مفید در المقنعة (المقنعة، ۷۷۷) قائل به پذیرش این توبه شده است. بعضی از صاحب نظران معتقدند که مهم‌ترین دلیل شیخ مفید، روایتی از کتاب تحف العقول است که امام هادی (ع) در آن روایت حکم تائب را پذیرفته است. (ر.ک: منتظری، کتاب الحدود، ۵۷؛ مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، ۱۳۳/۲) ولی با مراجعه به آثار شیخ مفید روشن می‌شود که وی به علت بودن روایت تحف العقول در این مسئله تصریح نکرده است، منتها حکمی که شیخ مفید در این مسئله به آن ملتزم است، مطابق با روایتی است که تنها در تحف العقول آورده شده است، لذا بعضی از صاحب نظران دلیل شیخ مفید را، روایت تحف العقول می‌دانند.

بنابراین با عدم احراز حرانی از مشایخ اجازه شیخ مفید، نمی‌توان وثاقت حرانی را از باب وثاقت مشایخ اجازه اثبات نمود. گذشته از اینکه حتی با اثبات شمرده شدن حرانی از مشایخ اجازه مفید، گرچه می‌توان وی را بنابر برخی مبانی (ر.ک: مجلسی دوم، الوجیزة فی الرجال، ۲۳؛ بحرانی، معراج الکمال، ۶۴؛ ایوان کیفی، مشارع الاحکام، ۴۳۰) به خاطر شمرده شدن از مشایخ اجازه، موثق دانست، منتها پذیرفتن این مطلب و شمردن شیخ اجازه بودن به عنوان علامت توثیق، خالی از مناقشه نبوده و در مقام تحقیق صحیح نیست (ر.ک: موسوی خویی، معجم رجال الحدیث، ۷۶/۱) چرا که اگر شیخ اجازه بودن، علامت وثاقت شیخ بود، نیازی نبود که مشایخ اجازه را توثیق کنند، در حالی که می‌بینیم نجاشی یا شیخ طوسی برخی از این مشایخ اجازه را توثیق کرده‌اند، مانند احمد بن محمد بن سلیمان (طوسی، الرجال، ۴۱۰)، احمد

بن محمد بن سعید بن عقده (طوسی، الرجال، ۴۱۰) و حتی بعضی‌ها چون الحسن بن محمد بن یحیی (طوسی، الرجال، ۴۲۲؛ نجاشی، الرجال، ۶۴)، محمد بن جعفر بن محمد بن بطه (طوسی، الرجال، ۴۴۷؛ نجاشی، الرجال، ۳۹۶)، را تضعیف نمودند.

لکن حتی اگر حرانی از ناحیه قدما توثیق نشده باشد و تنها متأخران وی را ثقه بدانند، باز هم نمی‌توان به دیدگاه مرحوم خوئی مبنی بر عدم اعتبار توثیق متأخران ملتزم شد؛ زیرا حکم این مسئله بنابر مبانی مختلف، متفاوت خواهد بود. از جهت اینکه در این مورد سه مبنا وجود دارد:

مبنای اول: که مبنای حجیت قول رجالی را از باب حجیت خبر واحد می‌داند.

مبنای دوم: که مبنای حجیت سخن رجالی از باب حجیت سخنان خبره می‌داند.

مبنای سوم: این مبنا فی نفسه برای قول رجالی موضوعیتی قائل نیست بلکه مهم، حصول اطمینان به وثاقت راوی است، لذا اگر برای فقیهی از قول رجالی متأخر یا از شواهد و قرائن، اطمینان به وثاقت راوی پیدا شد، اطمینانش حجت است. منشا این مبنا، حجیت خبر واحد از باب حصول اطمینان به صدور مضمون آن خبر است نه از باب حجیت قول ثقه که چه بسا قول رجالی می‌تواند از جمله قرائن و شواهد بر اطمینان به وثاقت قرار گیرد.

اما با پذیرفتن مبنای اول هرگز نمی‌توان به توثیقات متأخران اعتماد نمود؛ زیرا شرط حجیت خبر واحد حسی بودن آن است و حال آنکه پس از شیخ طوسی سلسله اسناد به کتاب‌های رجالی قطع شده و آن کتاب‌ها در دسترس متأخران قرار نگرفت تا اینکه توثیقات آن‌ها از روی حس باشد بلکه توثیقات آن‌ها در این هنگام بر مبنای حدس و اجتهاد بوده که در حق فقیه دیگر، حجت نیست. (موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ۴۲/۱)

با پذیرش دو مبنای دیگر حکم مسئله متفاوت خواهد بود بنابر مبنای دوم، از آنجایی که متأخران از رجالیون، در علم رجال خبره می‌باشند، می‌توان به سخنان آن‌ها در توثیق راوی اعتماد نمود؛ زیرا در اعتماد بر سخنان اهل خبره لازم نیست که آن سخنان مستند به امور حسی باشد. همچنین با پذیرفتن مبنای سوم نیز در صورتی که اگر برای فقیهی از سخنان رجالیون متأخر، اطمینان به وثاقت راوی پیدا شد، چه بسا اینکه می‌توان گفت چنین اطمینانی حجت است.

در میان مبانی موجود، نگارندگان مبنای اخیر را موجه می‌دانند؛ زیرا استفاد از ادله حجیت خبر واحد اعتبار روایت موثق الصدور است و نه صرفاً روایت ثقه چرا که مراد از اطمینان

همان اطمینان عرفی است که نزد شارع حجت است و دلیلی بر تعدی بودن حجیت خبر ثقه نداریم. از جمله شواهدی که می‌توان بر این مدعا اقامه نمود، عبارت‌اند از:

شاهد اول: مطابق با مضمون آیه نبا (حجرات، ۶)، به تحقیق و تتبع دستور داده شده تا حقیقت روشن گردد. با حفظ این مطلب، حقیقت در صورتی که به گونه‌ای روشن شد که عقلاً به آن اعتماد می‌کنند، جایز است که به آن عمل شود. لذا در صورتی اگر توثیقات متاخران مفید چنین کشف و اطمینانی باشد، می‌توان به آن اعتماد نمود.

شاهد دوم: از مبنای مشهور که اعراض را موهن و اقبال را جابر ضعف سندی می‌دانند (نائینی، فوائد الاصول، ۷۸۷/۴؛ همو، کتاب الصلاة، ۱۳۷/۱؛ قمی، غنائم الایام، ۲۰۹/۵)، استفاده می‌شود که عمل به روایات، مشروط به حصول اطمینان از صدور آن است.

لذا در صورتی که اگر فقیهی از توثیقات متاخران به وثاقت راوی یا صدور روایت اطمینان پیدا کرد، می‌تواند به آن عمل کند. (برای تبیین این مطلب، رک: تراپی شهرضایی، پژوهشی در علم رجال، ۱۹۲-۱۹۴)

با توضیحات فوق روشن گشت که متاخران همان راهی را پیموده‌اند که متقدمان در توثیق بسیاری از راویان پیموده‌اند. مثلاً اگر نجاشی یا شیخ طوسی فردی را توثیق نمودند، به این دلیل نیست که عدالت یا وثاقت او را مشاهده کرده باشند؛ زیرا این مطلب روشن است که عدالت و وثاقت - مانند سنگ و چوب - امر خارجی نیست که قابل دیدن باشد، بلکه از مجموع اموری مانند رفتار راوی، احادیث و اساتید او، عدالت یا فسق او را حدس می‌زنند. از طرفی این نکته نیز روشن است که عمل عقلاً به خبر، با لحاظ نکات تعدی نیست، بلکه برای عملشان توجیهاتی دارند که نتیجه معلوماتی است که در ذهنشان ثابت می‌باشد؛ یعنی بر آنچه گذشتگان به آن شهادت داده‌اند اعتماد و اطمینان دارند. به طوری که حتی برخی از بزرگان رجالی همچون محقق فانی پس از بررسی دقیق این مطلب و آوردن مطالب فوق، در انتهای سخنان خود می‌نویسد:

توثیقات متاخران حتی اگر بالاتر از توثیقات متقدمان نباشد، پائین‌تر از آن نیست. مرحوم مجلسی اول در شرح کتاب من لا یحضره الفقیه نگاشته است «پنجاه سال در احوالات ابن ابی عمیر بحث و جست و جو کردم؛ به گونه‌ای که دست یابی به آنچه من به آن دست یافتم، برای دیگران ناممکن یا بسیار سخت است.» آیا با چنین تحقیقاتی، توثیقات متاخرانی که خبره علم

رجال هستند، حجت نیست و کمتر از توثیقات متقدمان است. گذشته از اینکه قول مشهور بین متأخران نیز حجیت توثیقات متأخران می‌باشد. (بحوث فی فقه الرجال، ۹۶)

بنابراین با در نظر گرفتن مطالب فوق و با لحاظ توثیقات متأخرانی همچون محقق بحرانی و صاحب وسائل و علامه مجلسی از ابن شعبه، می‌توان وثاقت حرّانی را احراز نمود. جزم به وثاقت وی تا آنجا است که حتی آیت الله خوئی که توثیق متأخران را حجت نمی‌داند و از معتقدان به عدم حجیت روایات تحف العقول است، حرّانی را به عنوان فردی فاضل، جلیل القدر و رفیع الشان معرفی می‌نماید. (مصباح الفقاهة «المکاسب»، ۵/۱) لذا شک در وثاقت حرّانی محلی از اعراب ندارد.

۲. اعتبار کتاب تحف العقول

حرّانی پس از اینکه انگیزه خود را از نوشتن کتاب تحف العقول چنین بیان کرد: «پس از آن که دیدم علمای شیعه درباره فقه و حلال و حرام کتاب‌های فراوانی نگاشته‌اند بر آن شدم تا مجموعه‌ای پدید آورم که در آن سخنان حکمت‌آموز و موعظه‌های پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت جمع شده باشد تا هم گنجینه‌ای برای مراجعه خودم و هم مراجعه علاقه‌مندان به خاندان رسالت گردد» (تحف العقول، ۲)، در ادامه می‌نویسد: «من سندها را نیاوردم تا حجم کتاب بزرگ نشود و رعایت اختصار کردم، هر چند که بیشتر این احادیث را به طور سماع گرفته‌ام و چون بیشتر آن‌ها آداب و حکمت‌هایی است که خود، گواه درستی و صحت انتساب ... لذا ارزش علمی کتاب، کم نشده است. (همو، ۳) همچنین در قسمت دیگر از مقدمه نیز عبارتی دارد که حاکی از نقل این احادیث از افراد ثقة است.^۲

مقدمه فوق متضمن چند نکته است:

نکته اول: بنابر تصریح صاحب تحف العقول، اسناد روایات در این کتاب از باب تخفیف و ایجاز حذف شده‌اند. این مسئله موجب ارسال اسناد کتاب شده است. ولی این بدین معنی نیست که روایات، نزد خود ایشان هم مرسل بوده بلکه سند روایات نزد ایشان متصل و مسند بوده است.

۲. «بل خذوا ما ورد إليكم من فرض الله طاعته عليكم و نقلوا ما نقله الثقات عن السادات بالسمع والطاعة والإنهاء إليه و العمل به» (تحف العقول، ۴)

نکته دوم: از عبارات ایشان استفاده می‌شود که تحمل و دست یافتن حرانی به روایات به نحو سماع از استاد آست نه به نحو وجاده. لذا نمی‌توان با وجاده ای لحاظ کردن روایات تحف العقول بنابر برخی مبانی رجالی، از اعتبار آن کاست.

نکته سوم: حرانی این روایات را از ثقات نقل کرده است.

نکته چهارم: این روایات در نزد صاحب تحف العقول حجت است؛ زیرا چنین تعبیری در مقدمه بی‌تردید بر ضمانت و عهده داری گوینده نسبت به صحت صدور آثار مندرج در کتابش از ائمه (ع) و مجزی بودن عمل به آن‌ها از عصر حرانی تا هر زمانی دلالت دارد. توضیح بیشتر اینکه شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه دو نوع روایت مرسل دارد: نوع اول، مراسلاتی است که به نحو «رُوی» نقل می‌کند (ر.ک: کتاب من لا یحضره الفقیه، ۱/۱۱۴ و ۲۰۲ و ...). این دسته از مراسلات از آنجایی که بیانگر آن است که خود وی نسبت به صدور این روایات اطمینان چندانی ندارد، معتبر نمی‌باشند. نوع دوم، مراسلاتی است که شیخ صدوق به نحو جزم و یقین و با لفظ «قال» به معصوم (ع) اسناد می‌دهد (همو، ۱ و ۵ و ...). به‌عنوان مثال می‌گوید: «قال رسول الله (ع)» با وجود فاصله‌ی زیادی که بین شیخ صدوق و رسول خدا (ص) یا دیگر معصومین (ع) هست، مسلم است که او نمی‌تواند حدیث را از معصومین علیهم السلام شنیده باشد و بدون واسطه نقل کند. از این اسناد جزمی استفاده می‌شود که تمام وسائط نزد مرحوم صدوق معتبر بوده‌اند؛ وگرنه با عدم ثبوت صدور حدیث از معصوم (ع)، اگر آن را به نحو جزم و یقین به معصوم (ع) نسبت دهد، با وثاقتش منافات دارد. بعضی از بزرگان همچون آیت الله خویی (معجم رجال الحدیث، ۱/۹۳) و آیت الله شبیری زنجانی (کتاب نکاح، ۱۸/۵۹۶۴)، مراسلات شیخ صدوق را معتبر ندانسته و برای نوع ارسال فرقی قائل نیستند. منتها برخی دیگر از بزرگان همچون سید بن طاووس (فرج المهموم، ۱۲۰)، مجلسی اول (لوامع صاحبقرانی، ۱/۱۰۵)، میرزای نوری (خاتمة المستدرک، ۳/۴۹۷) و از فقهای معاصر امام خمینی (تبریزی،

۳. سماع و شنیدن از استاد (شیخ) یعنی شیخ از روی کتاب یا از حفظ، روایت را بخواند و شاگردان به قرائت او گوش دهند. این راه بهترین طریق تحمل حدیث است؛ زیرا شیخ به وجوه و اعراب و ضبط حدیث از دیگران آگاه‌تر است. (سیوطی، تدریب الراوی، ۴۲/۲؛ ترابی، پژوهشی در علم رجال، ۳۹۱-۳۹۲)

۴. وجاده بر وزن کتابت از ریشه وجد (یافتن) در اصطلاح، یکی از طرق تحمل حدیث است که در آن، راوی به کتاب یا حدیثی نوشته شده دست یابد و بدون شنیدن از نویسنده یا اجازه از او و یا مانند این‌ها، آن را روایت کند. (شهید ثانی، الرعایه فی علم الدرايه، ۲۹۸) در چنین صورتی نقل حدیث از یک کتاب، نیازمند دلیل و قرینه‌ای است که بتوان نویسنده آن را شناسایی و کتاب را به او منتسب کرد یا اینکه بتوان کتاب یافت شده را بوسیله مقابله با یک نسخه معتبر شناسایی کرد و به آن اعتبار بخشید (همان) بعضی از قدما نقل حدیث از طریق وجاده را در صورتی که دارای این شرایط و ضوابط نباشد، نوعی ضعف به شمار می‌آوردند.

المواهب فی تحریر أحكام المكاسب، ۱۹)، بین این دو نوع مرسل فرق گذاشته و نوع دوم از مرسلات را با توجه به اینکه کاشف از آن است که شیخ صدوق به صحت روایت و وثاقت راویانی که واسطه‌ی بین او و معصوم (ع) بوده‌اند تردید نداشته است، معتبر می‌داند. از نوع ارسال حرانی، می‌توان گفت که خود وی نسبت به احادیث تحف العقول اعتماد داشته است. (تبریزی، همان)

هر چند نمی‌توان کتمان کرد که ذکر سلسله‌ی راویان در روایات این کتاب بر استحکام مطالب آن می‌افزود، ولی باید دانست که اگر ما مجموع این چهار نکته را شهادت بر اعتبار روایات کتاب تحف العقول بدانیم و از ضمیمه این چهار نکته نتیجه بگیریم که صاحب تحف العقول در واقع شهادت بر صحت و اعتبار روایات کتابش می‌دهد ممکن است کسی از این شهادت اطمینان به صدور روایات کتاب تحف العقول از معصوم (ع) پیدا کند. چنانکه فقهای همچون صاحب وسائل چنین اطمینانی برای آن‌ها حاصل شد. لذا از منظر این دسته از فقها گرچه روایات تحف العقول فاقد سند است ولی جلالت این کتاب و روایاتی که در آن آمده نوعی اطمینان به صحت روایات این کتاب ایجاد می‌کند. (برای تبیین این مطلب، ر.ک: شهیدی، هدایة الطالب إلى أسرار المكاسب، ۲/۱)

از سویی دیگر برخی از صاحب نظران آثار حدیثی، به خاطر شهرت حدیث و یا اتفاق نظر عالمان بر حدیث خاصی و ... روایات را به صورت مرسل نقل نموده‌اند و آوردن نام راویان را ضروری نمی‌دانستند. چنین روشی پیش از زمان تألیف تحف العقول هم زمان با آن و نیز پس از آن مرسوم بوده است. من لا یحضره الفیه شیخ صدوق، نهج البلاغه سید رضی، نزهة الناظر و تنبیه الخاطرحلوانی، غررالحکم و درر الحکم تمیمی آمدی، الاحتجاج مرحوم طبرسی نمونه‌هایی از این آثار هستند. مرحوم طبرسی با تأکید بر این روش، در مقدمه احتجاج می‌گوید:

ما اسناد بیشتر اخباری را که در این کتاب نقل می‌کنیم، نمی‌آوریم؛ زیرا یا بر آن‌ها اجماع وجود دارد و یا مضمون آن‌ها با عقل موافق است و یا در سیره و کتاب‌ها، میان مخالف و موافق مشهور است. (طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ۱۴/۱)

«بر این اساس حرانی به عنوان فردی موثق و جلیل‌القدر با آن همه مقام شامخ علمی چنانکه از جمع آوری روایات کتاب تحف العقول پیداست، زمانی که به طور قاطع و صریح روایت را به معصومین (ع) نسبت می‌دهد و ادعای نقل آن روایات را از ثقات می‌کند، می‌توان

نتیجه گرفت که اشخاص ما بین او و معصوم، موثق بوده‌اند و گر نه با عدم ثبوت صدور حدیث از معصوم، اگر آن روایت را به نحو جزم و یقین به معصوم نسبت دهد، با وثاقتش منافات دارد. این نحوه ارسال که توثیق سند ملازم با آن است، یک توثیق اجمالی به شمار می‌آید و معتبر است؛ زیرا در توثیق سند لازم نیست که شخص راویان واقع در سند را یکی پس از دیگری بیاورد و توثیق کند. لذا این گونه مراسلات از آن جهت که توثیقات حرانی کمتر از توثیقات نجاشی و کشی نیست، معتبر می‌باشد. در نتیجه عدم وجود اسناد به تنهایی نمی‌تواند عامل تضعیف حدیث باشد.» (فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - المکاسب المحرمة، ۱۳-۱۴) لذا صرف ارسال به تنهایی نمی‌تواند موجب تضعیف روایات تحف العقول شود، چنانکه روایات کتبی همچون نهج البلاغه و غررالحکم و دررالحکم نیز مرسله و فاقد اسناد است ولی این ارسال موجب سستی اعتبار آن نشده است؛ زیرا ملاک در حجیت خبر واحد وثاقت راوی نیست بلکه با در نظر گرفتن بنای عقلا، اطمینان و وثوق به صدور آن روایت از امام است و وثاقت راوی تنها مقدمه برای اطمینان به صدور روایت از امام (ع) است (سبحانی درس خارج اصول، بحث حجیت خبر واحد؛ همو، درس خارج فقه الحدود) و چه بسا اینکه با توجه به این چند نکته می‌توان اطمینان به صدور روایات تحف العقول از معصوم (ع) حاصل نمود. (فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - المکاسب المحرمة، ۱۴)

منتها تعداد زیادی از فقها از جمله آیت الله خویی و آیت الله تبریزی همانطوری که گذشت، پس از تحلیل این مسئله در مقام نتیجه ضمن اعتراف به فضل، ورع و ممدوح بودن حرّانی، کتاب وی را به دلیل ارسال احادیث آن، فاقد اعتبار دانسته و در هیچ یک از احکام شرعی، استناد به روایات تحف العقول را جایز نشمردند؛ زیرا حدیث مرسل مشمول ادله حجیت خبر واحد نیست. از جهت اینکه وقتی که حسن بن علی بن حسین بن شعبه مقارن با عصر مرحوم صدوق و استاد شیخ مفید باشد، قطعاً تا زمان امام صادق (ع) فاصله طبقاتی دارد و نمی‌تواند به طور مستقیم از امام صادق (ع) روایت نقل کند بلکه به طور حتم تعدادی از راویان در این میان حذف شده‌اند. و لذا معلوم نیست که آیا راویان واسطه افراد ثقه می‌باشند یا نه و به تبع آن ادله حجیت خبر واحد شامل این‌ها نمی‌شود. (موسوی خویی، مصباح الفقاهة، ۵/۱؛ تبریزی، إرشاد الطالب إلى التعلیق علی المکاسب، ۸/۱)

لذا از منظر این دسته از فقها روایات تحف العقول از جهت ارسال در سند ضعیف‌اند و نقل حرانی و صرف وثاقت و جلیل القدر بودن وی نمی‌تواند این مشکل را حل کند.

وانگهی از آنجایی که مرحوم خویی میزان حجیت خبر واحد را وثوق به صدور آن از معصوم (ع) می‌داند (موسوی خویی، مصباح الفقاهة، ۵/۱)، نمی‌تواند قابل جمع با سخنان فوق باشد از اینکه هر نوع ارسال در خبر مضر به حجیت آن است؛ زیرا اگر ملاک حجیت خبر واحد، ثقه بودن راوی آن باشد در این صورت ارسال می‌تواند مضر به حجیت آن خبر باشد اما اگر ملاک، وثوق به صدور روایت از معصوم باشد در این صورت چه بسا خبری به ظاهر مرسل است منتها به عللی - همچون چهار نکته‌ای که از مقدمه کتاب تحف العقول استفاده می‌شود - از جمله اخبار موثوق الصدور باشد. چنانچه مرحوم شهیدی در هدایة الطالب پس از اینکه ملاک حجیت خبر واحد را وثوق صدوری دانست، در ادامه در رابطه با منشا حصول این وثوق معتقد است از آنجایی که صاحب وسائل وی را توثیق نموده به طوری که از وی تعبیر به شیخ صدوق نموده است، وثاقت او مانع از آن است که حرانی بدون اطمینان خبری را به امام (ع) نسبت دهد با این حال وسائط را حذف کرده باشد. (هدایة الطالب، ۲/۱) همانطور که مرحوم خوانساری نیز در این مورد می‌نویسد:

اعتراف حرانی به اسقاط سند و رجال روایات، نشان دهنده آن است که او از روایان و سند روایت اطلاع داشته و از نظر او ابهامی در روایات ذکر شده وجود نداشته است و این امر موجب می‌شود تا خبر را مظنون الصدق و از اقسام صحیح قرار دهد. (روضات الجنات، ۲۸۹/۲)

البته لازم به ذکر است که مراد از صحت و حجیت روایات تحف العقول، حجیت ذاتی آن روایات است، لذا اگر بعضی از روایات تحف العقول با بعض دیگر و یا با بعضی از روایات صحیح منابع حدیثی متعارض باشند و یا از نظر دلالت دچار اضطراب و مخالف با احکام فقهی ضروریه شمرده شوند، قطعاً با اعمال قواعد باب تعارض، تعادل و تراجیح و دیگر مبانی اصولی، بعضی از این روایات از حجیت فعلی ساقط است و این نمی‌تواند به مدعای ما که حجیت ذاتی روایات تحف العقول است، آسیبی برساند چرا که ما در مقام اثبات حجیت ذاتی روایات تحف العقول هستیم، در حالی که مقتضای نکته فوق آن است که به سبب معارضه و یا اضطراب دلالتی و ...، بعضی از روایات تحف العقول حجیت فعلی ندارد.

وجه دیگری که برای تصحیح سند کتاب تحف العقول می‌توان ارائه نمود، مسئله حجیت «اصول متلقات» است. بزرگانی از فقها و در راس همه ایشان مرحوم آیت الله بروجردی معتقد است: اگر روایتی صحیح السند نباشد، ولی مشهور به آن عمل کرده باشند، ما باید به آن روایت عمل کنیم. وی در این زمینه می‌نویسد:

در زمان ائمه (علیهم السلام)، اصحاب، احکام و فتاوا را از خود ائمه دریافت می‌کردند و این اصحاب عین عبارات ائمه و فتاوا و احکامی که ائمه فرمودند را برای تلامذه خودشان یداً بید ذکر می‌کردند و این کار در هیچ عصری از اعصار منقطع نشده است و اصولاً یکی از نقاط افتراق بین فقه شیعه و فقه اهل سنت همین مسأله است، این روایات نقل شده تا رسیده به زمان شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی و عده‌ای از این‌ها که ما در اصطلاح به آن‌ها می‌گوییم قدمات، لذا شیخ صدوق همان تعبیری که راوی از استاد خودش گرفته بوده را در کتاب فقهی خودش می‌آورده، تغییری هم در تعابیر ایجاد نمی‌کرده، در مقنع صدوق و هدایة شیخ صدوق، مقنعه شیخ مفید، انتصار سید مرتضی بدین نحو بوده تا زمان مرحوم محقق صاحب شرائع رسیده، مرحوم محقق و قبل از وی مرحوم شیخ یک تفریعاتی را به آن‌ها ضمیمه کرده، ما از این مسائل تعبیر می‌کنیم به «المسائل الاصلیه المتلقاة من الائمة علیهم السلام» و تفریعات ضمیمه شده را می‌گوییم: «المسائل التفریعیه» لذا ما فقه را به دو دسته تقسیم می‌کنیم: اولی مسائل اصلیه، دوم مسائل تفریعیه. از آنجایی که بنای اصحاب در زمان ائمه و قدمات بر این بوده که عین عبارات و قریب به آن عبارات اصلیه را حفظ کنند، آنچه که در کلمات این‌ها به عنوان اصول متلقات هست و مشهور بین آن‌ها بوده برای فقهاء متأخر حجیت دارد ولو دارای سند صحیح هم نباشد. (منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۳۵۵/۸؛ همو، مبانی و سبک استنباط آیت الله بروجردی در استنباط احکام، ۲۴۵؛ شبیری زنجانی، کتاب النکاح، ۷۱۴۶/۲۳؛ مبلغی، تحریری نو از نظریه شهرت در اصول متلقات، ۱۴۹/۲۳-۱۵۰) طبق این بیان روایت تحف العقول از اصول متلقات است؛ زیرا هم زمانی با شیخ صدوق و عدم اضافه نمودن مسائل تفریعی از خصوصیات کتاب تحف العقول حرانی است چرا که روایات تحف العقول مشهور عند القدمات بوده آن هم شهرت در مسائل اصلی لذا وفق این مبنا حجیت این اثر بلاریب خواهد بود. (فاضل لنکرانی، درس خارج المکاسب المحرمه، زمان: ۱۳۸۴/۶/۲۱، جلسه دوم) در انتها ذکر چند مناقشه لازم است:

مناقشه اول: ممکن است گفته شود که صاحبان جوامع روایی شیعه به روایات تحف العقول اعتنا نکردند؛ از جهت اینکه اگر این روایات مورد اعتماد آنها بود می‌بایست به نقل آنها مبادرت می‌ورزیدند؛ زیرا بعید است که صاحبان از این کتاب و روایات وی هیچ اطلاعی نداشته باشد لذا عدم نقل روایت از کتاب تحف العقول توسط صاحبان منابع روایی شیعه کاشف از عدم اعتبار روایت این کتاب نزد آنها می‌باشد؟

آیت الله سبزواری در جواب از این مناقشه می‌نویسد: مناقشه فوق اعم از مدعی است و نمی‌توان بواسطه آن عدم اعتبار روایات تحف العقول را ثابت نمود؛ زیرا ممکن است ذکر آن در جوامع روایی شیعه از باب شهرت بسزای این کتاب باشد که در این صورت نیازی به نقل روایت از این کتاب نیست از جهت اینکه مبنای صاحبان جوامع روایی در نگارش، نقل از کتاب‌ها و نوشته‌ها و چیزهای مهمی بود که در معرض اندراس و نابودی است. همانطور که می‌توان این نکته را از عاداتشان احراز نمود. (سبزواری، مهذب الأحكام، ۱۶/۱۹۸)

از نظر نگارندگان گذشته از احتمال فوق، احتمال دیگر نیز می‌توان در اعم بودن مدعی نسبت به مناقشه ارائه نمود و آن اینکه ممکن است دیباچه^۵ به دست صاحبان جوامع روایی چون مرحوم صدوق نرسیده باشد چرا که آن زمان مثل زمان ما نبوده بلکه در آن زمان احتمال دارد تحف العقول یک دوره نسخه برداری شده و بعد یک جلد بدون استنساخ دیباچه، به دست صاحبان جوامع روایی رسیده باشد. مطالعه کتب اصحاب و تواریخ این نکته‌ها را برای ما به طور واضح روشن می‌کند که چه بسا بعضی از مجلدات یک کتابی در دسترس افراد قرار نگرفته است. چون استنساخ در آن زمان، به شکل امروزی نبوده است. لذا در عصر کنونی، گروهی از صاحب نظران در انتساب روضه کافی به کلینی تشکیک می‌کنند. یعنی جلدی که متضمن روضه کافی است، به طور قطع نمی‌تواند مستند به کلینی باشد و انتساب آن به کلینی، محل تردید و اختلاف نظر بزرگان واقع شده است. از اینکه همه تحف العقول حتی دیباچه آن در دست صاحبان جوامع روایی چون شیخ صدوق بوده، در زمان حاضر برای ما روشن نیست. طبیعتاً رسیدن تحف العقول بدون دیباچه آن به دست صاحبان جوامع روایی که متضمن نکاتی از ناحیه حرانی در رابطه با ارسال اسناد آن است، می‌تواند باعث بی اعتباری روایات تحف العقول از ناحیه صاحبان جوامع روایی به خاطر ارسالشان شود.

۵. دیباچه مقدمه و شرحی است که در اول کتاب، درباره کتاب می‌نویسند.

مناقشه دوم: ممکن است گفته شود اگرچه مقتضای نقل یک عده از محدثین همچون شیخ حر عاملی (فصول المهمه، ۱۲۰/۱ و ۵۳۷ و ۶۱۲؛ وسائل الشیعه، ۱۵/۲ و ۳۳ و ۹۱/۳ و ۵۵/۴ و ۸۱/۵ و ۹۷)، علامه مجلسی (بحار الانوار، ۱۵۱/۶۲ و ۲۰۵ و ۱۹۶/۶۳ و ۴۲۵ و ۶۹/۷۶ و ۳۱۰/۷۷) و فیض کاشانی (الوافی، ۳۹۶/۴ و ۳۳۶/۱۵ و ۲۵۲/۲۶ و ۲۵۵ و ۲۶۰) از روایات تحف العقول، باعث اعتماد و اعتبار روایات آن کتاب می‌شود، منتها باید دانست که این مطلب تنها در صورتی می‌تواند صحیح باشد که این شعبه حرانی از محدثین باشد در حالی که معلوم نیست وی از جمله محدثین شمرده شود.

در جواب گفته می‌شود که مناقشه فوق در نهایت سستی است؛ زیرا کتاب تحف العقول وی که به اعتراف بزرگان شیعه همچون علامه مجلسی (بحار الانوار، ۲۹/۱) با نظم و شگرد خاصی به صورت دقیق مدون شده است به طوری که حتی بنابر اعتراف برخی از اعلام همچون شیخ حسین بن علی بن صادق بحرانی (سفینة البحار، ۴/۴۱؛ آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۴۰۰/۲؛ سید حسن صدر، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ۴۱۴) از اینکه روزگار مانند آن را نیاورده است، خود بالاترین گواه بر محدث بودن وی می‌باشد. (مصطفوی، درس خارج المکاسب المحرمه، زمان ۱۳۹۲/۷/۳۰، جلسه نوزدهم)

مناقشه سوم: ممکن است گفته شود که اگرچه صاحب تحف العقول از فقها و محدثین جلیل القدر است منتها جلالشان نمی‌تواند دلیل بر عدم نقل از غیر ثقه شود بلکه تنها دلیل بر عدم کذب او در نقل است. (حسینی روحانی، فقه الصادق علیه السلام، ۱۳/۱۴)

در جواب از مناقشه فوق نیز باید گفت: بر فرض پذیرش این مناقشه، تنها در صورتی می‌تواند موضوعیت داشته باشد که حرانی در مقدمه خود ادعای نقل از ثقه نمی‌کرد و حال آنکه همانطور که گذشت، حرانی در مقدمه خود عبارتی دارد که حاکی از نقل روایت تنها از افراد ثقه است. (ر.ک: تحف العقول، ۴)^۶ لذا هیچ یک از مناقشات بر اعتبار کتاب تحف العقول در مقام تحقیق صحیح به نظر نمی‌رسد به طوری که حتی آیت الله سبزواری پس از بیان تعدادی از مناقشات بر این کتاب، می‌نویسد:

۶. «بل خذوا ما ورد إليکم عن فرض الله طاعته علیکم و نقلوا ما نقله الثقات عن السادات بالسمع والطاعة و الإنتهاء إلیه و العمل به».

«و كل هذه الأمور باطلة و لا ينبغي الاعتماد عليها في استفادة القدرح، و ما نشأت إلا عن قصور الاطلاع و عدم التتبع و الإحاطة.» (مهذب الأحكام، ۱۹۸/۱۶)

همچنین پس از بیان جواب از مناقشات بر اعتبار کتاب تحف العقول در انتها می‌نویسد:

«فتلخص: أن مؤلف الكتاب ثقة جليل و التأليف معتبر لا مغمز فيه.» (همو، ۱۹۹)

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، نکات زیر را می‌توان نتیجه گرفت:

نکته اول: با در نظر گرفتن توثیق حرانی از ناحیه متاخران و با معیار قرار دادن حجیت خبر واحد از باب حصول اطمینان به صدور مضمون آن خبر نه از باب حجیت قول ثقه، می‌توان توثیق حرانی را نتیجه گرفت.

نکته دوم: روایات تحف العقول اگرچه از ناحیه حرانی مرسل می‌باشند منتها این نوع از ارسال موجب ضعف نخواهد بود چرا که پس از توثیق ابن شعبه حرانی و با توجه به کلمات ایشان در مقدمه کتاب و با لحاظ مبنای فقهای چون مرحوم آیت الله بروجردی، روایات تحف العقول از آنجا که روایات آن مشهور عندالقدماء است، داخل در اصول متلفات بوده لذا جای تردیدی در اعتبار و حجیت آن باقی نمی‌ماند.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول ۱۴۰۳ ق.
- _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- ابن شعبه، حسن بن علی، *التمحیص*، قم: مدرسه الإمام المهدی (ع)، چاپ اول ۱۴۰۴ ق.
- _____، *التمحیص*، قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول ۱۴۰۴ ق.
- _____، *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- ابن طاوس، علی بن موسی، *فرج المهموم - معرفة نهج الحلال من علم النجوم*، قم: دار الذخائر، ۱۳۶۸ ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶.
- افندی، عبدالله بن عیسی، *ریاض العلماء*، قم: مطبعة الخیام، بی‌تا.
- امین، محسن، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.

- انجدانی، محمد ابراهیم، *مصباح السعادة*، قم: نشر مرصاد، چاپ اول ۱۴۱۸ ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، *کتاب المکاسب*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول ۱۴۱۵ ق.
- ایروانی، علی، *حاشیه المکاسب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۴۰۶ ق.
- ایوان کیفی، محمد حسین، *مشارع الاحکام فی تحقیق مسائل الحلال و الحرام*، اصفهان: انتشارات مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، چاپ اول ۱۴۲۹ ق.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم: اسماعیلیان، بی تا.
- آل عصفور، حسین بن محمد، *الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع*، چاپ اول قم: مجمع البحوث العلمیه، بی تا.
- _____، *سداد العباد و رشاد العباد*، قم: کتابفروشی محلاتی، چاپ اول ۱۴۲۱ ق.
- بحرانی، سلیمان بن عبدالله، *معراج اهل الکمال الی معرفة الرجال*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۲ ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول ۱۴۰۵ ق.
- تبریزی، جواد، *ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
- ترابی شهرضایی، اکبر، *پژوهشی در علم رجال*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ اول ۱۳۹۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، چاپ اول ۱۴۱۸ ق.
- _____، *أمل الآمل*، بی جا: بی تا، چاپ اول بی تا.
- _____، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول ۱۴۰۹ ق.
- حسینی تویسرکانی، میرزا عبد الغفار، *رسالة فی الغناء*، قم: نشر مرصاد، چاپ اول ۱۴۱۸ ق.
- حسینی شاهرودی، محمود، *کتاب الحج*، قم: مؤسسه انصاریان، چاپ اول ۱۴۰۲ ق.
- حسینی عاملی، جواد بن محمد، *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۹ ق.
- حکیم، محسن، *نهج الفقهامة*، قم: انتشارات ۲۲ بهمن، چاپ اول بی تا.
- خمینی، روح الله، *کتاب الطهارة*، قم: چاپخانه حکمت، چاپ اول ۱۳۷۶ ق.

- خمینی، مصطفی، مستند *تحریر الوسیلة*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، بی تا.
- خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، *روضات الجنات*، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ق.
- خویی، ابو القاسم، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، قم: تحت اشراف جناب آقای لطفی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- _____، *القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد (الهدایة فی الأصول)*، قم: مؤسسه صاحب الأمر (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- _____، *فقه الشيعة - كتاب الطهارة*، قم: مؤسسه آفاق، چاپ سوم، ۱۴۱۸ ق.
- _____، *مصباح الفقاهة (المکاسب)*، بی جا: بی نا، بی تا.
- _____، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال*، بی جا، بی نا، بی تا.
- روحانی، محمدصادق، *فقه الصادق (ع)*، قم: دار الكتاب - مدرسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- سبحانی، جعفر، *المواهب فی تحریر أحكام المکاسب*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
- _____، *درس خارج اصول*، مقرر: سید مجتبی حسین نژاد، نسخه خطی.
- _____، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، بی تا.
- سبزواری، عبد الأعلى، *مهذب الأحكام*، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
- سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر، *تدریب الراوی*، بی جا: بی نا، بی تا.
- شبییری زنجانی، موسی، *کتاب نکاح*، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین، *مجالس المومنین*، بی جا: بی نا، بی تا.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الرعاية فی علم الدراية*، بی جا: بی نا، بی تا.
- _____، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- _____، *مسالك الأنفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- شهیدی تبریزی، میرفتاح، *هدایة الطالب إلى أسرار المکاسب*، تبریز: چاپخانه اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۵ ق.
- صدر، حسن، *تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام*، تهران: اعلمی، ۱۳۷۵.
- صدر، محمد باقر، *بحوث فی شرح العروة الوثقی*، قم: مجمع الشهد آیه الله الصدر العلمی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
- صدر، محمد، *ما وراء الفقه*، بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.

- طباطبایی، علی بن محمد، *ریاض المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول ۱۴۱۸ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی، چاپ اول ۱۴۰۳ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الرجال*، قم: جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۲۷ ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد، *درس خارج مکاسب محرمة*، مقرر: سید مجتبی حسین نژاد، نسخه خطی.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - المکاسب المحرمة*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول ۱۴۲۷ ق.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۶ ق.
- فانی اصفهانی، علی، *بحوث فی فقه الرجال*، مقرر: سید علی حسین مکی عاملی، قم: مؤسسه العروه الوثقی، ۱۴۱۴ ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، *مفاتیح الشرائع*، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، چاپ اول بی تا.
- قمی، عباس، *الکنی و الألقاب*، بی جا، بی تا، بی تا.
- قمی، عباس، *سفینه البحار*، قم: اسوه، بی تا.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، *شرح طهارة قواعد الأحكام*، بی جا: مؤسسه کاشف الغطاء، بی تا.
- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر، *أنوار الفقاهة - کتاب المکاسب*، چاپ اول نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ق.
- کاشف الغطاء، موسی، *منیة الراغب فی شرح بلغة الطالب*، قم: مؤسسه کاشف الغطاء، بی تا.
- مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۳ ق.
- مبلغی، احمد، «تحریری نواز نظریه شهرت در اصول متلفات»، *مجله فقه اهل بیت (ع)*، شماره ۲۳، ص ۱۴۹-۱۵۴.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *الوجیزة فی الرجال*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۴۲۰ ق.
- _____، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول ۱۴۱۰ ق.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، *لوامع صاحبقرانی*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- مرعشی، محمد حسن، *دیدگاه های نو در حقوق*، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.
- مصطفوی، کاظم، *درس خارج مکاسب محرمة*، مقرر: سید مجتبی حسین نژاد، نسخه خطی.

مفید، محمد بن محمد، *المفئدة*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول ۱۴۱۳ ق.
منتظری، حسین علی، «مبانی و سبک استنباط آیه الله بروجردی»، *مجله حوزه*، شماره ۴۳ و ۴۴،
اردیبهشت ۱۳۷۰، ص ۲۴۵.

_____، *کتاب الحدود*، قم: انتشارات دار الفکر، قم، چاپ اول بی تا.
_____، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، مترجم: محمود صلواتی، و ابو الفضل شکوری،
چاپ اول قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ق.
میرزای قمی، ابوالقاسم، *غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،
چاپ اول ۱۴۱۷ ق.

نائینی، محمد حسین، *فوائد الأصول*، بی جا: بی نا، بی تا.
_____، *کتاب الصلاة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۱ ق.
نجاشی، احمد بن علی، *الرجال*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
نراقی، احمد بن محمد مهدی، *رسائل و مسائل*، قم: کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، چاپ اول
۱۴۲۲ ق.

_____، *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول
۱۴۱۵ ق.

نوری، حسین بن محمد تقی، *خاتمة المستدرک*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول ۱۴۱۷ ق.